



نمایش خانگی

از «هشت‌ونیم دقیقه» تا «خانه دختر»

شهرام شاه‌حسینی بعد از ۲سریال پرمخاطب «می‌خواهم زنده‌بمانم» و «رهایم کن» قراراست «کندو» را برای شبکه‌ نمایش خانگی بسازد. کارگردانی که کارش را با «هشت‌ونیم دقیقه» در تلویزیون شروع کرد.

■ شروع کار شهرام شاه‌حسینی در سینما به دستیار کارگردانی رسول ملاقلی‌پور برمی‌گردد. این کارگردان سال ۱۳۸۶در فیلم «کلاغ پر» به‌عنوان کارگردان فعالیت داشت. گرچه موفقیت این اثر نسبت به آثار بعدی‌اش مانند سریال «هشت و نیم دقیقه»، بیشتر نبود اما تجربه خوبی برای شهرام شاه‌حسینی محسوب شد.شاه‌حسینی سال ۱۳۹۵با سریال هشت و نیم دقیقه توانست خود را امیان اهالی فضای تلویزیون مطرح کند.

■ شهرام شاه‌حسینی از مجموع ۱۴اثری که در کارنامه دارد،

۸ سریال با نام‌های «پرستاران» (فصل دوم)، «آسمان هوای باران دارد»، «هشت و نیم دقیقه»، «پرستاران»، «همه‌چیز آنجاست»، «پیدا و پنهان»، «مثل یک کابوس» و «ناوان» و ۶ فیلم سینیمایی با نام‌های «خانه دختر»، «کمین»، «کلاف»، «آقای هفت رنگ»، «کلاغ پر» و «زن‌ها فرشته‌اند» دارد.

■ یکی از فیلم‌های جنجالی شهرام شاه‌حسینی در سال‌های ۹۴–۹۳«خانه دختر» بود که بعد از اکران در جشنواره فیلم فجر مدتی نتوانست مجوز پخش بگیرد. این فیلم بعد از ۳سال اکران شد. حامد بهداد، رنا آزادی‌ور و رویا تیموریان از بازیگران اصلی فیلم بودند و به نسبت دیگر فیلم‌های شاه‌حسینی پراز بازبگر دارد.

■ شاه‌حسینی که در شبکه‌ خانگی تجربه ساخت ۲سریال پرمخاطب «می‌خواهم زنده‌بمانم» و «رهایم کن» را دارد، توانست دیده‌شود و حالا می‌خواهد سریال «کندو» را بسازد. در این سریال شاه‌حسینی قرار است با بازیگران اصلی ۲کار قبلی‌اش همکاری تازه‌ای را رقم بزند.

■ محسن تانیده و سحر دولتشاهی که به‌ترتیب در سریال‌های «رهایم کن» و «می‌خواهم زنده‌بمانم» جلوسی‌دوربین این کارگردان رفته بودند در سریال «کندو» قرار است ایفاگر نقش‌های اصلی باشند.

■ سریال «کندو» به مانند «رهایم کن» داستانش در دهه ۵۰هواثروای می‌شود. سرپرست نویسندگان سریال محسن تانیده‌است و پویا سعیدی به اتفاق سینا شفیع فیلمنامه آن را به نگارش درمی‌آورند.

«اتان هانت»، ماندگارترین نقش تام کروز، چیزی بیش از یک نام نبود و این همان نقطه قوت اوست؛ فرنجایز «مأموریت: فوق‌العاده در هانت می‌تواند غیرممکن» هرکسی باشد، تقریباً هر کار فیزیکی‌ای را انجام دهد و با آرامش از توطئه‌ها پرده بردارد. از توطئه‌ها پرده بردارد.

■ تام کروز، چیزی بیش از یک نام نبود و این همان نقطه قوت اوست؛ فرنجایز «مأموریت: فوق‌العاده در هانت می‌تواند غیرممکن» هرکسی باشد، تقریباً هر کار فیزیکی‌ای را انجام دهد و با آرامش از توطئه‌ها پرده بردارد.

آماده‌سازی نمایش «دایره گچی زنگی»

رضا بهرامی، کارگردان تئاتر: این روزها مشغول آماده‌کردن نمایش «دایره گچی قفقازی» هستم. به هر حال و با وجود همه‌سختی‌ها، ما کاری غیر از تئاتر نداریم و امیدواریم مسئولان این نکته را درک کنند که این هنر برای ما جز عشق، یک زندگی و ایدئولوژی هم هست که به آن نیاز داریم. /ایسنا



بازنشستگی مأمور کهنه‌کار

خداحافظی تام کروز با سری فیلم‌های «مأموریت:غیرممکن»



روزشمار نهایی

«روزشمار نهایی» که چهارمین کارگردانی کریستوفر مک‌کواری محسوب می‌شود، تمام عناصر لازم برای یک فیلم در ست‌وحسابی از مجموعه «مأموریت: غیرممکن» را دارد: فیلمبرداری در لوکیشن‌های جهانی، اکشن‌های خارق‌العاده و معجزه‌آسا و گروهی قابل اعتماد از بازیگران نقش مکمل در کنار کروز که با وجود ۶۰ساله شدن، همچنان انرژی جوانانه خود را حفظ کرده‌است (هرچند حالا چند چروک روی صورتش دیده می‌شود). اما این فیلم درضمن تلاشی گامویی‌گاه و از سر وظیفه‌شناسی برای ایجاد انسجام در مأموریت‌های چندده‌های هانت انجام می‌دهد. فلاش‌بک‌هایی به فیلم اول در سال ۱۹۹۶، پرده از راه‌هایی برمی‌دارد که نشان می‌دهد شخصیت‌های جدید به کسانی که در نسخه اصلی کشته شدند، مرتبط هستند. مونولوگ‌های بی‌دری از قهرمانان و شروران به تفصیل توضیح می‌دهند که هانت چقدر منحصر‌به‌فرد و استثنایی است.



گرفتند برای اقدامات قهرمان داستان عواقب ماندگار خلق کنند. فیلم اول «مأموریت: غیرممکن» به کارگردانی برابان دی پالما یک داستان پرپیچ‌وخم و پوچ بود؛ تیمی را معرفی کرد و بلافاصله بیشتر شان را کشت، در نتیجه هانت را فراری و درگیر دسیسه‌های چندلایه می‌کرد. دنباله آن به کارگردانی جان وو با زیبایی‌شناسی این کارگردان هماهنگ بود؛ طولانی، اپرایی و متأسفانه کم‌شور.



خلق همیچ‌ترین سکانس‌های اکشن

برای فیلم سوم، کروز (که به‌عنوان تهیه‌کننده اصلی فعالیت می‌کرد و همیشه در انتخاب کارگردان‌ها نقش کلیدی داشته) جی‌جی. آبرامز را آورد که داستان را بر نامزدی هانت و تلاشش برای حفظ تعادل بین کار و زندگی متمرکز کرد. «مأموریت: غیرممکن ۳» کمی کمتر از انتظارات عمل کرد و با در نظر گرفتن جنجال‌های رسانه‌ای شدیدی که کروز در اواسط دهه ۲۰۰۰ با آن مواجه شد، به‌نظر می‌رسد یک این مجموعه ممکن است به پایان برسد. اما کروز و پارامونت، استودیوی پشت این فرنجایز، پس از وقفای ۱۵ساله توانستند اوضاع را تغییر دهند. برای فیلم چهارم، «پروتکل شبح»، کارگردان پرز پزدا (که قبلاً فقط انیمیشن ساخته بود) به خلق همیچ‌ترین سکانس‌های اکشن این مجموعه کمک و آنها را با دوربین‌های IMAXفیلمبرداری کرد که در آن زمان هنوز نوآوری محسوب می‌شد. در ابتدا قرار بود این فیلم نقش نوعی واگذاری مشعل را بازی کند (بازنشسته شدن کروز و احتمال انتقال نقش اصلی به همیاری‌اش، جرمی رنر)، اما این طرح کنار گذاشته شد. کریستوفر مک‌کواری که در مراحل پایانی پیش‌تولید برای بازنویسی‌ها به پروژه پیوسته بود، ظاهر این ایده را رد کرد؛ هانت نمی‌توانست به سادگی بازنشسته شود و با نامزد سابقش، بی‌یک زندگی آرام برود. پروژه زندگی او انجام مأموریت‌های غیرممکن جاسوسی بود. بازگرداندن تمرکز به سمت این قهرمان استوار و دوری از شاگرد احتمالی‌اش، حرکت داستان درخشانی بود که شهرت عمومی کروز به‌عنوان ستاره‌ای بی‌نظیر را به اعتبار روزافزون هانت به کارهای مرگبار پیوند زد. سپس کروز مک‌کواری را برای کارگردانی فیلم بعدی، «ملت باغی» به‌کار گرفت و از آن زمان مک‌کواری در این سمت باقی‌مانده‌است. تحت هدایت او، «مأموریت: غیرممکن» عشق کروز به فراتر بردن محدودیت‌های فیزیکی خود را به جلوی صحنه آورد. برای «ملت باغی» خود را به یک هواپیما بست، در «فال اوت» از بالای ابرها با چتر پرید و در «روزشمار نهایی» با موتورسیکلت از کوه به پایین شیرجه زد؛ در پس این دیوانگی‌های سرگیجه‌آور، مک‌کواری اسطوره‌ای پیچیده‌تر آفرید، قسمت‌های مختلف را به روایت‌های معقول و نامعقول به هم پیوند زد و هانت را از جاسوسی تحسین‌برانگیز به نیرویی بنیادین تبدیل کرد.

من عاشق فیلم‌های «مأموریت: غیرممکن» هستم و با وجود شروع کند و مبتنی بر توطیعات طولانی‌اش، «روزشمار نهایی» همچنان مرا مجذوب خود کرد. سکانسی که هانت به درون یک زیردریایی مترو که شیرجه می‌زند، یکی از وهم‌انگیزترین و برجس‌حال‌ترین صحنه‌های این مجموعه است و سکانس دیگری که او در حال نبرد با دشمن از یک هواپیما دوپاله به هواپیمایی دیگری می‌پرد، یکی از تماشایی‌ترین صحنه‌هاست. اما بیروزشی فیلم دربره هانت به‌عنوان یک انسان، به شکلی غیرمنتظره، مرا کمی دلسرد کرد. آنچه همیشه «مأموریت: غیرممکن» را سرگرم‌کننده می‌کرد، هرگز طرح کلی داستان نبود؛ بلکه فهرمانی هانت بیشتر نمایش خیره‌کننده یکی از آخرین ستاره‌های هالیوود بود تا نتیجه پیش‌زمینه‌ای بر معنا. «روزشمار نهایی» به اندازه کافی قانع‌کننده است تا داعای باشکوه بسازد، اما تقریباً این تلاش در میان تشویق‌های بی‌وقفای که تثار قهرمانش می‌کند، گم می‌شود



دوبله امروز، عجولانه و کم‌دقت استعباس بیاتی، گوینده پیشکسوت: قبلاً وقتی قرار بود یک قطعه را دوبله کنیم، چندین بار آن را می‌دیدیم و تمرین می‌کردیم اما الان وضع به‌گونه‌ای است که نوشته به‌دست دیپلور می‌رسد، بدون اینکه حتی قبلاً چهره یا کلیپ را دیده باشد. گاهی حتی نمی‌دانیم شخصیت کیست یا وضعیت دیالوگ‌ها چگونه است. /سینماپرس

هالیوود



«مردان ایکس» سلاح مخفی مارول

داستان‌های ابرقهرمانی زیادی برای تعریف کردن باقی‌مانده‌است

تقریباً ۱۰ سال از زمانی می‌گذرد که «تیم میلر» برای نخستین بار در صحنه کامیک‌کان سن دیگو تریلر ابتدایی فیلم «دپول» را نمایش داد و این تریلر چنان مورد استقبال قرار گرفت که طرفداران از سازندگان خواستند آن را با دیگر پخش کنند.

همین اتفاق شروع یک فرنجایز بسیار موفق بود.

اکنون این کارگردان (که در این مدت با ساخت ۲سریال انیمیشن بزرگسال تحسین‌شده یعنی «عشق، مرگ و ربات‌ها» برای نتفلیکس و «مرحله مخفی» برای پرایم ویدئو مشغول بوده) آماده بازگشت به عرصه ابرقهرمانان است. در جریان گفت‌وگو درباره فصل جدید سسریالش در نتفلیکس، «هالیوود ریپورتر» از میلر پرسید که او برای احیای ژانر ابرقهرمانی (درسالاگرد تأثیرگذاری «دپول») چه کاری می‌تواند انجام دهد. میلر گفت: «فکر می‌کنم مارول سلاحی مخفی دارد که هنوز موفق به رونمایی از آن نشده، و آن چیزی نیست جز دنیای کامل «مردان ایکس». مردان ایکس همان چیزی بود که مرا وارد دنیای کامیک کرد. آنها شخصیت‌های مورد علاقه من هستند. من به رئیس مارول، کوین فایگی، ای‌میل‌زدم و گفتم: «اگر قرار باشد در دنیای مارول کاری را به من بسپاری، لطفاً اجازه بده مردان ایکس باشد. من یک فیلم «مردان ایکس» در دست توسعه در فاکس داشتم، در دست زمانی که ادغام اتفاق افتاد. فیلمی که واقعا فوق‌العاده می‌شد. مبنای آن کامیک «مردان ایکس» شماره ۱۴۳ بود، چیزی شبیه تنها در خانه با ترکیبی از «بیگانه».» میلر کمی هم جنبه احتیاط را رعایت و اضافه می‌کند: «اما اگر دی‌سی بالاخره سراغ ساخت «قتدار» برود، آن کامیک موردعلاقه من است، مثل لیگ عدالت است، فقط با این تفاوت که آدم می‌کشند؛ به‌نظم هنوز فضای زیادی در این ژانر باقی‌مانده و داستان‌های متنوعی هست که می‌توان تعریف کرد.» او اشاره می‌کند که از فیلم اخیر مارول به نام «صاعقه‌ها» که با اینکه در گیشه کمی با مشکل رویه‌رو شد اما نقدهای مثبتی گرفت، بسیار خوشش آمده‌است: «به‌نظم «صاعقه‌ها» فیلم فوق‌العاده‌ای بود. فلورنس پیو عالی بود. باقی بازیگران هم کارشان را عالی انجام دادند و صحنه‌های اکشن هم واقع‌گرایانه و خوب بود. در مجموع فیلم از نظر تماتیک یک‌دست بود. آدم پادش می‌رود چقدر مهم‌است که همه‌چیز با هم جور دربیاید و به‌نوعی حس رضایت‌بخشی بدهد.» کارگردان این فیلم، جیک شرایر، در حال مذاکره برای کارگردانی نخستین (و قطعاً نه آخرین) فیلم «مردان ایکس» در مارول است.

سریال

«شکار‌گاه» تماشاگر «آکتور» را راضی می‌کند؟



«من اگر جای تو بودم هیچ‌وقت پاسو تسوی اون شکار‌گاه نمی‌داشتم!» این جمله‌ای است که سریال «شکار‌گاه» با آن معرفی شده‌است؛ سریالی ساخته‌نیما جاویدی و با بازی پرویز پرستویی که به زودی پخشش را در شبکه‌ نمایش خانگی شروع خواهد کرد. به ناگهی از کریم پرویز پرستویی در سریالی که گفته می‌شود مقطعی از تاریخ را روایت می‌کند اما تاریخی نیست؛ رونمایی‌شده و این به‌معنای نزدیکی پخش این سریال است. «شکار‌گاه» دومین تجربه سریال‌سازی نیما جاویدی برای شبکه‌نمایش خانگی است که بیش از این سریال «آکتور» را با بازی نوید محمدزاده و احمد مهرانفر ساخته بود. «آکتور» که بسیار مورد توجه قرار گرفت و از شبکه ۴ته فرانسه هم پخش شد، داستان یک گروه بازیگر بود که در موقعیت‌های واقعی نقش بازی می‌کردند تا با پول این کار بتوانند تماشاخانه مترو که‌ای را که در آن تئاتر تمرین می‌کنند، بخرند. این سریال به‌دلیل فضا و داستان متفاوتش که در آن نه از لمین‌بازی خبری بود و نه از عربده و نه هل‌دینگ، بسیار مورد توجه تماشاگران و منتقدان قرار گرفت. حالا نیما جاویدی با این تجربه موفق سریال جدیدی در راه پخش دارد.

تهیه‌کننده «شکار‌گاه»، مهدی بدرواست که به‌عنوان مدیر تولید و مجری طرح در فیلم‌های «برادران لیلیا»، «تفریق»، «بی‌همه‌چیز»، «همیچر»، «زلالوا»، «خورشید» و «سرخیوست» فعالیت داشته و تهیه‌کننده سریال «سرگیجه» هم بوده‌است. درباره داستان شکار‌گاه توضیح چندانی داده نشده‌است، تنها اینکه با یک مهمانی بزرگ شروع می‌شود و اتفاقات غیرمنتظره‌ای مسیر داستان را عوض می‌کند. ماجرای این مینی‌سریال ۹قسمتی در دوران قاجار می‌گذرد و انطور که گفته شده تمامی آن در یک لوکیشن تصویربرداری شده‌است. به‌دلیل همین تک لوکیشن بودن، سریال بافیلم «سرخیوست»، دیگر ساخته‌نیما جاویدی که تمام آن در زندان می‌گذشت، مقایسه شده‌است.

اعلام شده بود که در این سریال پرویز پرستویی و محسن کبابی بازی می‌کنند که به‌دلیل حضور محسن کبابی در برنامه هزار و یک تلویزیون، مهدی حسینی‌نیا جایگزین او شد. با شروع سریال باید دید جاویدی می‌تواند تجربه موفق سریال قبلی‌اش را تکرار کند یا همچنان «آکتور» سریال بهتری خواهد بود.

پلان



بازیگران تازه‌ای به فیلم دیوید فینچر و کوئنتین تارانتینو پیوستند

دنباله فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» ساخته کوئنتین تارانتینو، به کارگردانی دیوید فینچر، در حال تکمیل فرایند انتخاب بازیگران است و برای شروع فیلمبرداری در تابستان آماده می‌شود.

اسکات کان و الیزابت دبیکی به برد پیست در این فیلم که توسط نتفلیکس ساخته می‌شود، می‌پیوندند. بخش زیادی از این پروژه در هاله‌ای از رمز و راز قرار دارد، اما مشخص است که داستان پیرامون کلیف بوث، بدل کار سابق و بدل شخصیت تلویزیونی ریک دالتون، می‌چرخد، همانطور که در فیلم ۲۰۱۹تا تارانتینو دیده شد. داستان در بازه زمانی دیرتری نسبت به فیلم قبلی اتفاق می‌افتد. مشخص نیست که چه مقدار از محتوای این فیلم، در صورت وجود، براساس رمان تارانتینو با همین نام که در سال ۲۰۲۱منتشر شد نوشته شده، رمانی که جزئیات بیشتری از گذشته کلیف، ازجمله مرگ همسرش را فاش می‌کرد.

ریشه‌های این پروژه به فیلمنامه‌ای بازمی‌گردد که تارانتینو برای کارگردانی خودش نوشته بود، اما در نهایت آن را کنار گذاشت. برد پیت فیلمساز را قانع کرد که اجازه دهد فینچر کارگردانی آن را به‌عهده بگیرد، و فیلم در اوایل بهار امسال وارد مرحله پیش‌تولید شد. منبعی گفته: «این فیلم از «جنگ ستارگان» هم مخفی‌کارانه‌تر است.»

نقش‌هایی که اسکات کان و الیزابت دبیکی بازی می‌کنند مشخص نیست. یک منبع گفته داستان به ۲نقش زن کلیدی نیاز دارد: یکی زنی که یک محل مسابقات گل آلود کشتی را اداره می‌کند و دیگری زنی که همسر مردی ثروتمند است. مشخص نیست دبیکی کدام‌یک از این نقش‌ها را بازی خواهد کرد یا شاید هم نقشی کاملاً متفاوت را.برای کان، این فیلم نوعی تجدید دیدار با برد پیت محسوب می‌شود؛ آنها پیش‌تر در سه‌گانه فیلم‌های «اوشن» در اوایل دهه ۲۰۰۰هم‌بازی بودند. فیلم قرار است از ماه جولای در کالیفرنیا وارد فاز تولید شود. نتفلیکس در مورد انتخاب بازیگران اظهارنظری نکرده‌است. کان، پسر بازیگر فقید جیمز کان، در دهه گذشته بیشتر در تلویزیون فعالیت داشته – ازجمله بازی در سریال طولانی‌مدت «هاوایی فایو-زیرو» محصول CBS و اخیراً در سریال «هشدار: واحد گمشدگان» از شبکه فاکس، در سینما، علاوه بر فیلم‌های «اوشن»، او در فیلم‌هایی همچون «دانشکده بلوز» و «سُرقت در ۶۰ ثانیه» (محصول حوالی سال ۲۰۰۰) ایفای نقش کرده‌است.